

از زبان خدا بشنو

خدیکه جوراستی فرد

www.ketab.ir



انتشارات پرکاس - ۱۴۰۰

سرشناسه	:	جوړامتنی فرد، خدیجه، ۱۳۴۱-
عنوان و نام پدیدآور	:	از زبان خدا بشنو
مشخصات نشر	:	تهران: انتشارات پرکاس، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۲۷۸ ص؛ ۱۴/۵×۲۷/۵ س.م.
شابک	:	978-600-7469-50-7
وضعیت فهرست نویسی	:	فهرست نشده
یادداشت	:	کتابخانه مرکزی تهران - ۲۷۶؛ همچنین به صورت زیرنویس:
موضوع	:	امر به معروف و نهی از منکر -- جنبه های قرآنی
موضوع	:	Enjoining what is good and prohibiting what is evil - Qur'anic teaching
موضوع	:	تربیت اخلاقی -- جنبه های قرآنی
موضوع	:	Moral education -- Qur'anic teaching
رده بندی کنگره	:	۱۰۴BP
رده بندی دیویی	:	۳۷۷۵/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۷۶۲۵۹۴۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیا

www.ketab.ir

از زبان خدا بشنو

مؤلف: خدیجه جوراستی فرد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۶۹-۵۰-۷

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۰

قیمت: ۹۵۰,۰۰۰ ریال

چاپ: اطلس شمارهگان: ۱۰۰ جلد



www.parkaas.ir

امشارات پارکاس

تهران - میدان صادقیه، اشرفی اصفهانی، بالاتر از جلال آل احمد، بن بست گلها پلاک ۳

تلفن: ۴۴۶۹۰۷۶۱

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۵	فصل اول: اوامر و نواهی در مورد عبادات و تهذیب نفس انسان‌ها
۲۵	قسمت اول - فرمان خداشناسی و عبودیت
۳۰	تفکر زمینه ای برای شناخت جهان و آفریدگار
۳۵	راهکارهای تربیت عبادی قرآن
۳۹	امر به یکتاپرستی و عدم شرک
۴۳	امر به یکتاپرستی در تاریخ انبیا پیشین
۵۳	شرک مانعی برای رشد فکری و بلوغ عقلانی بشر
۵۵	دعوت به سوی الله، نفی هرگونه شرک و بت پرستی
۷۳	وحدت نظام آفرینش دلیلی بر وحدت معبود
۷۷	توحید خالقیت و رازقیت دلیلی بر وحدت معبود
۸۲	عهد و پیمان الهی با بشر در مورد خداپرستی
۹۱	قسمت دوم - فرمان عبادت و بندگی
۹۴	• نماز و عبادت عاملی برای تربیت بشر
۱۰۵	• نماز و زکات دو رکن از ارکان ایمان
۱۲۲	• فرمان ذکر و به یاد خدا بودن
۱۴۴	• تجسم اعمال
۱۵۴	• تسبیح خداوند، فرمان دیگر به مؤمنین
۱۷۷	• اطاعت از خدا و رسول، فرمانی دیگر به مؤمنین
۱۹۲	• فرمان خداترسی و دعوت به پرهیزگاری
۲۰۷	فصل دوم: فرمان‌های دهگانه در سوره انعام
۲۱۳	شروع از توحید و پایان به نفی اختلاف
۲۱۴	تأکیدهای پی در پی
۲۱۴	فرمان‌های جاویدان

مقدمه

ما مسلمانیم و باید بدانیم که نمی‌توان تنها با نام اسلام افتخار کرد بلکه یک مسلمان بیش از هر چیزی نیاز دارد به آگاهی و سپس عمل، آگاهی بر یک سلسله اصول اعتقادی و یک سلسله دستورات زنده عملی. مسلمان واقعی باید حداقل، اطلاعات قانع‌کننده‌ای از تعلیمات اسلام در اصول و فروع داشته باشد تا بتواند با آگاهی بر این اصول و تعلیمات، آن‌ها را در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار برد. انسان برای هر چه بهتر زیستن، در دنیا و آخرت، احتیاج به برنامه و نقشه دارد، احتیاج به راهنما دارد تا به سر منزل مقصود رسیده، قرب خداوند را به دست آورد. همان‌طور که می‌دانیم گزاره‌های دین اسلام به دو بخش کلی تقسیم می‌شوند: گزاره‌های مربوط به عقل نظری و گزاره‌های مربوط به عقل عملی. گزاره‌های مربوط به عقل نظری، گزاره‌هایی هستند که درباره بودن‌بودها یا به عبارتی هست و نیست‌ها بحث می‌کنند، که بسیاری از آن‌ها از راه عقل نظری و تفکر کلامی یا تعقل فلسفی یا ذوق عرفانی قابل کشف و استدلال‌اند؛ مثل وجود خدا، وحدانیت خدا، اسماء و صفات او، نبوت عامه و خاصه، امامت عامه و خاص، معاد و... اما گزاره‌های عقل عملی گزاره‌هایی هستند که کاری به بودن‌بودها و واقع خارجی ندارند، بلکه از بایدها و نبایدها سخن می‌گویند و از راه عقل عملی ادراک می‌شوند. اسلام در حوزه هست و نیست‌ها هیچ‌گاه کسی را امر و نهی نمی‌کند؛ چرا که اساساً این حوزه، جای امر و نهی نیست. در این حوزه اسلام صرفاً دعوت به تعقل و تفکر و پذیرش می‌کند. اما در حوزه بایدها و نبایدها اسلام هم دعوت دارد هم امر و نهی. باور دانشمندان جامعه‌شناس مسلمان بر این است که دین مبین اسلام در باب اداره جامعه دارای مدلی جامع و کارآمد است. در این مدل کامل، نظام‌ها و ساختارهای عالی در ارتباط معنی‌دار با

یکدیگر طراحی و پیش‌بینی شده‌اند و مجموع این نظام‌ها و نظایر آن در ارتباطی عمیق و برنامه‌ریزی‌شده، نظام حکومت اسلامی را شکل خواهد داد. شایان ذکر است دین کامل دینی است که بتواند پاسخگوی تمام نیازهای اصلی بشر باشد و یکی از اصلی‌ترین نیازهای جامعه بشری نیاز به حکومت و قانون است و خصوصیت ذاتی قانون، دستوری بودن آن است. لذا این‌که گفته شود اسلام هیچ امرونهی نداشته باشد، به این معناست که اسلام قوانین اجتماعی و حکومتی نداشته باشد و لازمه این امر آن است که اسلام دینی ناقص باشد. قرآن کلام خالق و نامه خداوند متعال برای انسان است. در قرآن کریم خداوند متعال با برنامه‌ای کامل و جامع مسیر هدایت و کمال را برای بشر تبیین و تشریح نموده و در آیاتی به انسان‌ها امرونهی فرموده است. بعضی معتقدند که قرآن کتاب قانون نیست و اصولاً دین با فرهنگ زمانه عجین است و بسیاری از خطابات آن، متوجه آن اجتماع خاص است و اجتماع آن عصر هم زوال پیدا کرده است؛ در نتیجه آن خطابات برای اجتماعات کنونی ما، مناسب و سزاوار نیست و به تعبیری آموزه‌ها و اوامر و نواهی قرآن، مناسب عصر و زمان نزول وحی بوده و برای ما انسان‌ها در دنیای معاصر مفید و کارا نیست. لازمه این نظریه انکار جهان‌شمولی دین اسلام و انکار خاتمیت است و این‌که انسان‌ها (افراد غیر از جزیره العرب) با عقل خود می‌توانند تمام نیازهای خود را جهت نیل به سعادت تأمین نمایند. چنین دیدگاهی، برخلاف مسلمات عقلی و قرآنی است. بر اساس آیات صریح، قرآن کتاب هدایت، رحمت و قابل فهم برای همه مردم در همه زمان‌ها و مکان‌ها است و نیز پیامبر اسلام ﷺ، رحمت و لطف الهی برای همه جهانیان و رسول همه مردم، در هر سرزمینی و با هر فرهنگی است و قرآن خود را انذاردهنده همه مردم

می‌داند؛ اعم از مردم عصر نزول و نیز همه مردمی که این قرآن به آن‌ها می‌رسد.^۱

مطلب دیگر این که قرآن، یکی از فلسفه‌های بعثت انبیا و نیازمندی انسان‌ها را به وحی، رفع اختلاف بین مردم می‌داند و از آنجا که در این زمان، و بیش از زمان‌های گذشته، اختلافات فکری و فلسفی و اخلاقی دامن بشر را گرفته است، هنوز هم بخش زیادی از مردم بت‌پرست و مادی‌گرا هستند، آیا در این شرایط می‌توان گفت که آنان نیاز به تعالیم و حیانی ندارند؟

بنابراین فلسفه نیاز انسان به تعالیم و حیانی همچنان باقی است و نمی‌توان گفت که انسان‌های غیر عصر نزول به تعالیم و حیانی نیازمند نیستند. در این خصوص به روایتی از امام رضا علیه السلام اشاره می‌نماییم: «از آنجا که قوای فکری بشر قادر به درک سود و زیان نیست و خداوند نیز برتر از آن است که خود بر انسان تجلی نماید و با آنان سخن بگوید، ناگزیر رسول خدا بین او و مردم واسطه می‌شود تا امر و نهی و آداب او را به آنان انتقال دهد و آنان را به سود و زیان خود آگاه سازد؛ زیرا در خلقت آنان چیزی وجود نداشت تا به وسیله آن بتوانند نیازهای خود را بشناسند.»^۲

همچنین دلایل عقلی فراوانی بر آن دلالت دارند که انسان‌ها علی‌رغم همه پیشرفت‌های علمی باز بدون تعالیم و حیانی ناتوان از تشخیص سود و زیان خود هستند؛ بنابراین رسالت پیامبر اسلام، جهانی است و انسان‌ها در هر فرهنگی به تعالیم و حیانی نیازمندند و از آنجا که نیازهای انسان‌ها در

^۱ ما أزلناك إلا كلمةً للناسِ شيراً ونذيراً ولكن أکثر الناس لا یفقهون (سبا/ ۲۸) ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آن‌ها را به پاداش‌های الهی) بشازرت دهی و (از عذاب او) بترسانی، ولی اکثر مردم نمی‌دانند. وأوحی الی هذا القرآن لأندركم به ومن بلغ (انعام/ ۱۱۶) این قرآن را بر من وحی کرده تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آن‌ها می‌رسد انداز کنم ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

تمامی اعصار و مکان‌ها یکسان و مشترک است، قوانین الهی جهت رفع آن‌ها هم ثابت و مشترک خواهد بود. لذا باید توجه داشت که نوع انسان از جهت ظاهری و روحی و روانی، نیازها و ویژگی‌های ثابت و مشترکی دارند و مهبط تعالیم و حیاتی اسلام، نیازهای ثابت و مشترک بین انسان‌ها و نیز رمز جاودانگی جهان‌شمولی دین اسلام در همین است و قرآن کتاب هدایت برای همه انسان‌ها است؛ در نتیجه اوامر و نواهی و نیز آموزه‌های آن برای همه انسان‌ها جنبه هدایت‌بخشی دارند و انحصار آن‌ها به مردم جزیره‌العرب نادرست است. از نگاه قرآن کریم، خدای متعال اولین امرکننده به معروف‌ها و نهی‌کننده از منکرها است که حق حاکمیت مطلق بر همه انسان‌ها و موجودات دارد و آگاه‌ترین و بصیرترین شخص به منافع آنان است و همه شرایط لازم برای صلاحیت امر و نهی را داراست. از بین ۶۲۳۶ آیه، حدود ۱۹۰۰ آیه جنبه دستوری (امرونی) دارند، در برخی آیات به‌طور صریح از کلمات امر و نهی استفاده شده و در برخی نیز اگرچه صراحتاً امر و نهی ندارد ولی به‌طور ضمنی خواسته و حکمی را بیان می‌کند و با وظیفه‌ای را معین می‌نماید. هدف از تألیف این کتاب، ارائه طرح نسبتاً جامعی از اوامر و نواهی قرآن بوده ولی برای احتراز از سنگینی بحث فقط بخشی از آیات که دلالت بر امر و نهی دارد مورد مذاقه و بحث قرار گرفته است؛ مثلاً آیاتی از قرآن که با عبارت «یا ایها الذین آمنوا» شروع شده و دارای امر و نهی است، به دلیل این که در کتاب «دستورات خداوند به مومنان در قرآن» تألیف همین مؤلف قبلاً مورد بررسی قرار گرفت، از پرداختن به آن‌ها خودداری شده است. شایان ذکر است امر و نهی‌های قرآن، قطع نظر از شکل‌های بیانی گوناگون آن‌ها بر چند قسم است:

الف) امر و نهی‌های مربوط به عبادات و تهذیب نفس انسان‌ها؛